

بررسی نقش صندوق‌های اعتباری شرکت‌های تعاونی روستایی در تأمین نقدینگی کشاورزان: مطالعه موردی استان فارس

بهاء‌الدین نجفی^۱ و اسماعیل دهقانیان^۲

چکیده

یکی از بخش‌هایی که می‌تواند در زمینه تامین نقدینگی بسیار موثر عمل نماید بخش تعاون و به طبع آن صندوق‌های اعتباری تعاونی‌های کشاورزی می‌باشند. هدف اصلی این مطالعه بررسی اثر صندوق‌های اعتباری بر تأمین نقدینگی کشاورزان و میزان موفقیت شرکت‌های دارای صندوق اعتباری می‌باشد. داده‌های مورد نیاز در این مطالعه از طریق پرسش‌نامه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی دو مرحله‌ای گردآوری گردید. به منظور تحلیل ریاضی اثرات متغیرهای مدل از روش اقتصادسنجی لاجبیت استفاده شده است. نتایج حاصل از مدل لاجبیت در تعاونی‌های دارای صندوق اعتباری نشان می‌دهد که متغیرهای منابع مورد استفاده تعاونی‌های کشاورزی جهت تأمین نقدینگی و وام‌های اعطایی در تعاونی تأثیر معنی‌دار و مثبت و متغیر نرخ سود تسهیلات اثر منفی در اعطای تسهیلات داشته است. در پایان آندسته از شرکت‌هایی تعاونی که تشکیل صندوق اعتباری داده‌اند نسبت به شرکت‌هایی که فاقد صندوق اعتباری هستند، در تأمین نقدینگی کشاورزان با نرخ بهره پایین و بدون وابستگی به موسسات مالی با سطح اطمینان بسیار بالا موفق‌تر بوده‌اند. در پایان نیز به منظور مدیریت مناسب امور مالی در تعاونی‌ها پیشنهادهایی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: تعاونی‌های کشاورزی، صندوق‌های اعتباری، نقدینگی، استان فارس

طبقه بندی JEL: q13, p13

مقدمه

تولیدکنندگان محصولات کشاورزی برای تامین سرمایه و اعتبار مورد نیاز خود در تولید محصول به روش‌های گوناگونی عمل می‌کنند. استفاده از پس‌انداز شخصی، دریافت وام و تسهیلات از منابع اعتباری (نظیر بانکها، مؤسسات و صندوق‌های اعتباری) از جمله مناسبترین راه‌های ممکن برای حل مشکل کمبود سرمایه توسط کشاورزان است. در مباحث توسعه روستایی و کشاورزی یکی از راه‌حل‌های رفع مشکل مالی کشاورزان، اعطای اعتبارات کوچک مقیاس است که نقش مهمی در تمرکز و جهت‌دهی به سرمایه‌های اندک روستاییان و ایجاد روحیه مشارکت و کارگروهی دارد (اسکیپ، ۱۹۹۴). استفاده از اعتبارات خرد، به عنوان یک روش مداخله غیرمستقیم در توسعه، مورد توجه اغلب مکتب‌های فکری توسعه قرار گرفته است. این شیوه با گسترش بازارهای جدید و ارتقای فرهنگ مدیریتی، زمینه مناسبی برای حکمرانی کارآمد دولت در توسعه کشاورزی فراهم می‌سازد (روت، ۱۹۹۷). این امر بویژه پس از اینکه تصمیم‌گیران و کنشگران برنامه‌ریزی در بخش کشاورزی از نتایج منفی برنامه‌های اعتباری نظارت شده‌ی مستقیم آگاهی

^۲ - استاد اقتصاد کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مرودشت
^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مرودشت

یافتند، بیشتر ملموس گردید و لذا شیوه پرداخت اعتبارات به کشاورزان از شکل دولتی کلان به اعتبارات خرد تغییر یافت که اعطای این نوع اعتبارات با همکاری موسسات اعتباری غیردولتی و محلی صورت می گیرد (فائو، ۱۹۹۸).

تعاونی روستایی نهادی اجتماعی- اقتصادی خود جوش و با عضویت اختیاری اعضاست که کالاها و خدمات توسعه را برای اعضای خود فراهم می کند تا آن ها از طریق همکاری در مراحل مختلف برنامه ریزی اعم از تصمیم گیری، اجرای برنامه و نظارت بتوانند سرنوشت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را بر عهده بگیرند و در راستای توسعه پایدار کشاورزی در مناطق روستایی فعالیت می کنند (ICA, 2000). چنین تشکل هایی می توانند با برابری فرصت های دسترسی به منابع، تصمیم گیری و بسیج منابع اعضا، استفاده از منابع محلی مدیریت خودجوش، توسعه ظرفیت های گروه و ... راه حل مناسبی برای توسعه پایدار کشاورزی باشند. با فرض وجود نارسایی های نهادی، اقتصادی و اجتماعی در مناطق روستایی، که با کارایی پایین ابزار، فن آوری و تجهیزات کشاورزی، خشونت شرایط طبیعی، نبود یک نظام رسمی، رفاهی، اجتماعی و اقتصادی و ... مشخص می شود (طالب بیگی، ۱۳۷۹). توجه به تعاونی ها، کشاورزان را قادر می سازد تا مشکلات خود را از راه همیاری و استفاده از ظرفیت گروهی اعضا رفع کنند و در راه حصول به هدف و منابع مشترک، زمینه را برای ایجاد تغییرات مناسب در جهت نیل به توسعه کشاورزی از طریق فعالیت های گروهی فراهم نماید (طاهرخانی و حیدری، ۱۳۸۲). توسعه تعاونی های خود جوش روش مطمئنی برای ارتقای پس اندازهای محلی و درون گروهی در راستای تخصیص مجدد منابع در توسعه کشاورزی است؛ زیرا این منابع به تعاونی ها کمک می کند تا با تنوع بخشی به فعالیت های خود نقش مهمی در توسعه فعالیت های کشاورزی شامل زنجیره های پسین مانند فرآوری، بسته بندی، انبارداری و بازاریابی ایفا کنند. در ربع قرن اخیر توجه به نقش گروه های خودیار و سازمان های غیر دولتی در کشورهای در حال توسعه منجر به شکل گیری پیوند درون گروهی بین کنش گران توسعه و مردم محلی شده است که نتایج آن توجه به رویکردهای توسعه مردم گرا، توسعه مشارکتی و ارتباطی در راستای کاهش فقر و تغییر اجتماعی را نشان می دهد (ESCAP, 2000).

با عنایت به ارتباط توسعه روستایی با توسعه کشاورزی و نقش اعتبارات خرد در تحقق این دو، ضرورت توجه به اعتبارات خرد در فرآیند توسعه روستایی و کشاورزی بیش از پیش روشن می شود. در این باره همچنین سایر ضرورت ها را می توان از دیدگاه برنامه ریزان و ساستمداران به شرح ذیل مطرح ساخت (خندر، ۱۹۹۸):

۱. خدمات اعتباری خرد عنصری کلیدی در راهبردهای کاهش فقر است.
۲. این اعتبارات راهی برای رهایی از دام واسطه ها، افزایش مشارکت و دسترسی به فرصت های برابر به شمار می رود.
۳. اعتبارات خرد روش کارآمدی برای توانمندسازی، بویژه توانمندسازی زنان روستایی است که کمتر به منابع اعتباری توسعه دسترسی دارند.
۴. این اعتبارات یکپارچه ساختن بازارهای روستایی و افزایش قدرت کشاورزان روستایی را سبب می شود.
۵. اعتبارات خرد، زمینه ساز پس انداز و توسعه به شمار می رود (سیبل، ۲۰۰۱).

همانطور که بیان شد، تأمین اعتبارات خود به معنای تلاش برای بهبود دسترسی فقرا به خدمات وام و پس انداز و در نتیجه ابزار شناخته شده ای برای مقابله با فقر است (نجفی، ۱۳۸۲). از این روست که بانک جهانی نیز هدف از اعطای اعتبارات خرد به کشاورزان را کاهش فقر، ایجاد اشتغال و درآمد، پایداری اکولوژیکی و رفاه روستاییان می داند (ESCAP, 2003). از دیدگاه گرامین بانک^۱، هدف

^۱ - Gramin Bank

از اعطای اعتبارات خرد، بهبود زندگی روستاییان از طریق فراهم ساختن آنها به اعتبارات، پس انداز، تسهیلات رفاهی و برنامه ریزی اجتماعی دیگر است (رابینسون، ۲۰۰۱). در کنار این طرح های روستایی، ایفاد (IFAD)^۱ انگیزه خود را از اعطای اعتبارات، ایجاد تحرک اجتماعی، بالابردن آگاهی ها، آموزش و قدرت دهی به فقرا و افزایش اعتماد به نفس فقرا و همچنین فراهم ساختن زمینه کار گروهی برای ایجاد دارایی و زیرساخت های توسعه کشاورزی در راستای تولید محلی می داند (IFAD, 2003). سرانجام باید گفت که در برنامه توسعه سازمان ملل، هدف از اعطای اعتبارات خرد ایجاد فرصت های درآمدزا برای زنان، سرمایه گذاری در ترویج فعالیت های کشاورزی و کمک به بازپرداخت تعهدات کشاورزان می باشد (UNDP, 1998). اسکاپ نیز هدف از اعطای اعتبار به کشاورزان و روستاییان را فقرزدایی، ترویج و آموزش کشاورزی، اشتغالزایی و درآمدزایی، توسعه اجتماعی، افزایش خود اتکایی و حفظ عزت نفس آنان می داند (Escap, 1994).

امروزه بیشتر فعالیت های موسسات اعتباری در زمینه توسعه روستایی بر پایه تشکیلات تعاونی و منافع متقابل اعضا صورت می گیرد (RD Instruction, 2002). ویژگی عمده این نهادها، انعطاف پذیری بالا و استقلال نسبی آنهاست. در چند دهه اخیر کشورهای در حال توسعه به اعتبارات خرد به عنوان محرکی پیش برنده در جهت توانمندسازی کشاورزان و روستاییان نگریسته اند. صندوقهای مالی و اعتباری روستایی سالهاست که به عنوان یک نهاد کارآمد جهت ارائه خدمات مالی و اعتباری در جهت توسعه فعالیتهای کشاورزی و روستایی مورد توجه سیاستمداران و برنامه ریزان امور کشاورزی قرار دارند. تجارب موجود در تشکیل و توسعه صندوقهای محلی که نشأت گرفته از نقاط قوت و ضعف درونی این صندوقها و عوامل پیرامونی تاثیرگذار بر آنها می باشد، برنامه ریزان را ترغیب به بررسی عوامل درونی و پیرامونی موثر بر عملکرد موفق این صندوق ها و تضمین استمرار فعالیت آنها نموده است. راه اندازی صندوق های اعتباری روستایی در دو دهه اخیر در اغلب کشورهای جهان و بخصوص کشورهای جهان سوم، به عنوان راهی در تامین سرمایه و اعتبار مورد نیاز تولیدکنندگان روستایی مورد توجه دولتها بوده است. در کشور ما نیز تشکیل و توسعه صندوق های اعتبار روستایی از چند سال پیش آغاز و روند رو به رشدی را در پیش گرفته است چرا که این صندوق ها با جمع آوری سرمایه های اندک کشاورزان و تولیدکنندگان، از جمله منابع مهمی تلقی می شوند که علاوه بر ایجاد روحیه مشارکت و تعاون در سطح روستاها، در برآوردن نیازهای مالی و توسعه فعالیتهای تولیدی اعضای نقش دارند. در ادامه به چند نمونه موفق از کشورهای در حال توسعه در زمینه پرداخت اعتبارات خرد اشاره می شود:

در چین موسسات مالی محلی با هدف کاهش فقر روستایی تشکیل شد که بیشتر منابع آن توسط خانوارهای روستایی تأمین می گردید. این اعتبارات اغلب به صورت گروهی به کشاورزان کوچک پرداخت می شد (رابینسون، ۲۰۰۱). دولت چین با همکاری موسسه بین المللی ایفاد با توجه به کارایی بالای موسسات اعتباری محلی طی سال های ۱۹۹۵-۱۹۹۹، تعداد خانواده های برخوردار از اعتبارات خرد را از ۸ درصد به ۲۰ درصد رسانید (IFAD, 2002).

کشورهایی مانند بنین، هند، کنیا، اندونزی، توگو و تایلند با تشکیل اتحادیه های پس انداز روستایی اقدام به توسعه کشاورزی در مناطق روستایی کردند (رابینسون، ۲۰۰۱). این اتحادیه ها با ساماندهی سرمایه های اندک روستاییان، آن را ب سوی فعالیت های محقق کننده توسعه کشاورزی و اشتغالزایی مولد هدایت نمودند (رابینسون، ۲۰۰۱). در بنگلادش بانک گرامین، با همکاری سازمان

^۱ - International Fund for Agricultural Development (IFAD).

غیردولتی کمیته توسعه روستایی، اعتبارات کشاورزی خود را در قالب برنامه های مشارکتی چهار ساله ارائه می کند که ۳۲ درصد از اعتبارات کل این کشور را شامل می شود (خاندن، ۱۹۹۸).

در ایران پرداخت اعتبارات خرد روستایی به طور رسمی به چند حالت زیر صورت می پذیرد:

- پرداخت وام خوداشتغالی
- اعطای اعتبارات فرش بافی روستایی
- وام سلف کشاورزی
- پرداخت اعتبار به زنان سرپرست خانوار
- منابع اعتباری تعاونی های روستایی
- پرداخت وام برای خرید ماشین آلات کشاورزی
- پرداخت وام برای حفر، تأمین برق و راه اندازی چاه های عمیق.

بانک کشاورزی در ایران مهمترین منبع پرداخت اعتبارات خرد در زمینه توسعه فعالیت های کشاورزی است. روش پرداخت اعتبارات خرد این بانک بیشتر به صورت سرمایه گذاری مشترک و مشارکت در واحدهای تولیدی است (سلامی و طاجی لنگرودی، ۱۳۸۱). مهمترین اعتبارات نهادهای مالی در مناطق روستایی را به دو دسته اعتبارات کوتاه مدت و وام های خرد با بازپرداخت مکرر و اعتبارات بلندمدت کشاورزی و فصلی تقسیم می کند. خاندن در بررسی تجربه بنگلادش در زمینه اعتبارات خرد به سه منبع اعتباری اشاره می کند (خاندن، ۱۹۹۸):

۱. موسسات و نهادهای رسمی از قبیل بانک های روستایی و تعاونی ها
 ۲. نهادها و موسسات نیمه رسمی از قبیل سازمان های غیر دولتی و
 ۳. منابع مالی غیر رسمی مانند واسطه ها و سرمایه داران محلی.
- برخی مطالعات، تأمین مالی خرد کشاورزان در ایران را به دو گروه منابع رسمی و غیر رسمی دسته بندی می کنند (نجفی و یعقوبی، ۱۳۸۴؛ حسن زاده و قویدل، ۱۳۸۴).

۱-۱- مروری بر مطالعات انجام شده

در این مطالعه از روش مدل اقتصاد سنجی لاجیت استفاده شده است. این روش بمنظور بررسی نقش شرکت های تعاونی روستایی بر تأمین نقدینگی کشاورزان مورد استفاده قرار گرفت. لذا مطالعاتی که با هدف بررسی اثرات شرکت های تعاونی روستایی

انجام شده است مرور شده است. لذا در بررسی مطالعات گذشته که بر روی تأمین نقدینگی و اعتبارات خرد تمرکز بیشتری داشته اند. صورت گرفته است. در این قسمت به تعدادی از مطالعات انجام شده در زمینه تعاونی های روستایی، اشاره شده است.

مالیک و مشتاق (۱۹۹۰)^۱، اختلافات موجود در دسترسی به بازار اعتبارات روستایی پاکستان را بررسی کردند و دسترسی نامناسب کشاورزان خرده پا به اعتبارات رسمی را عاملی در جهت افزایش گروه های فقیر دانستند. آنها با توجه به نتایج مربوط به کارا بودن کشاورزان خرده پا در استفاده از تأمین سرمایه، از طریق بخشهای غیر دولتی نظیر تعاونیهای اعتباری را برای افزایش درآمد و کاهش فقر در جوامع روستایی پاکستان ضروری ذکر کردند. این محققان بیان نمودند که در صورت برگزاری کلاسهای ترویجی و تأمین سرمایه برای کشاورزان خرده پا می توان به افزایش تولیدات و رونق اقتصادی بخش کشاورزی بسیار امیدوار بود.

تورات^۲ (۱۹۹۱)، به بررسی پرداخت اعتبارات ارزان در مناطق روستایی هند و آثار آن بر کاهش فقر و اشتغال زایی پرداخت. وی ورود فناوری نوین در سالهای دهه ۱۹۴۰ را موجب افزایش معنادار نیاز روستاییان به اعتبارات و سرمایه دانست. در آن هنگام بخشهای خصوصی توانایی پرداخت اعتبار به کشاورزان، به ویژه کشاورزان خرده پا و کم درآمد را داشتند. این عامل باعث دریافت هزینه های بالا برای پرداخت اعتبار به کشاورزان از سوی بخش غیر رسمی اعتباری شده بود. در اوایل دهه ۱۹۵۰ بخشهای دولتی به فکر تقویت خود در پرداخت اعتبارات ارزان به روستاییان برای کاهش فقر در مناطق روستایی افتادند. اما برنامه بانکها اکثراً نتایج دلخواه را نمی داد و بیشتر اعتبارات نصیب کشاورزان پر درآمد و توانمند می گردید که در نتیجه برای افزایش درآمد انتقالی صرف کارهای غیر مربوط به کشاورزی می شد. در این دوران برای تعادل در پرداختها و بهینه نمودن پرداخت اعتبار، تعاونیهای اعتباری جدید در روستاها اقدام به همکاری با بخش رسمی نمودند که بیش از ۵۰ درصد پرداختهای بخش رسمی در روستاها بر عهده این تعاونیها قرار گرفت. نتایج مطالعه تورات نشان داد که دخالت تعاونیها در پرداخت اعتبار به کشاورزان، باعث بهبود وضعیت تعادل درآمدی در روستاها گردیده که نشاندهنده موفقیت تعاونیها در شناخت صحیح از گروههای هدف در پرداخت اعتبار بوده است. همچنین با دخالت این تعاونیها در برنامه ریزی تولید، توزیع نهاده و کالاهای مصرفی به روستاییان، افزایش درآمد روستاییان و کاهش فقر در مناطق روستایی به طور چشمگیری تحقق یافته است.

سوامیناتان^۳ (۱۹۹۳)، با استفاده از داده های مربوط به سال های ۱۹۷۷-۱۹۸۵، تأثیرات نوگرایی در بازار اعتبارات روستایی و تغییرات در بازار اعتبارات هند را بررسی کرد و نتیجه گرفت تأمین سرمایه مورد نیاز کشاورزان خرده پا از سوی منابع اعتباری در افزایش درآمد و رهایی چرخه فقر مؤثر است. وی در روستاهای ناحیه تامیل نادو هند به بررسی بخشهای اعتباری ناحیه و تأثیر اعتبارات پرداختی در تولید و سود کشاورزان پرداخت و نشان داد در این ناحیه اغلب بخش غیر رسمی به پرداخت وام به کشاورزان می پردازد و در مناطقی که اعتبارات توسط تعاونیها یا مؤسسات نیمه دولتی اعتباری پرداخت می شود، تقاضا برای این اعتبارات به ویژه از سوی کشاورزان کم درآمد بیشتر است. پرداخت اعتبارات کنترل شده توسط این تعاونیها و مؤسسات به کشاورزان خرده پا ابتدا سبب افزایش تولید و درآمد و سود آنها گردیده که این عامل تا حد زیادی کاهنده فقر در مناطق روستایی بوده است، سپس باعث تعدیل نرخهای بهره بخش غیر رسمی (به عنوان اصلی ترین بخش تأمین کننده نیاز کشاورزان خرده پا) گردیده و در نتیجه از استثمار کشاورزان توسط بخش غیر رسمی اعتباری جلوگیری شده است. در پایان مطالعه، سوامیناتان بر ضرورت تقویت بخشهای اعتباری به صورت تعاونیها و مؤسسات اعتباری برای افزایش درآمد روستاییان و حرکت جوامع روستایی به سمت تعادل درآمدی تأکید می کند.

^۱ -Malik & Moshtag

^۲ -Thorat

^۳ - Swaminatan

بانک جهانی (World Bank, ۱۹۹۵)، معتقد است که تعاونیهای تولید روستایی را باید به عنوان پیشگامان خصوصی سازی شناخت که تولیدکننده محصولات جدید و بازارهای تازه اند. همچنین می گوید که به کمک این تعاونیها سرمایه گذاری در بخش کشاورزی رونق می یابد و توسعه هدایت و تقویت می شود.

عبدالرحمن واسمیت^۱ (۱۹۹۶)، در مطالعه ای روی تعاونی های کشاورزان در غرب سودان به این نتیجه رسیدند که تعاونی ها باعث افزایش درآمد اعضا نسبت به کشاورزان غیر عضو شده اند.

پامپل^۲ (۱۹۹۷)، در مطالعه خود در زمینه تعاونی های تولید روستایی گامبیا به این نتیجه دست یافت که تعاونی ها در اموری همچون تأمین بذر، کود، ماشین آلات و تأمین اعتبارات بانکی برای اعضا دارای فعالیت جدی بوده و در این راستا ۹۵ درصد اعضا از عملکرد آنها رضایت کامل داشته اند.

گروتات^۳ (۱۹۹۷)، با استفاده از یک رگرسیون پروبیت در ساحل عاج نشان داد که تحصیل در بخش شهری شانس فقیر بودن را کاهش می دهد. نتیجه این مطالعه نشان داد که در مناطق روستایی با سرمایه انسانی پایین تر، هر یک سال تحصیل برای افراد ساکن در این روستا، دو برابر میزانی که تحصیل در مناطق شهری، فقر را کاهش می دهد و از فقر می کاهد. عامل مهم دیگری که در فقر مناطق شهری موثر شناخته شده است محل سکونت در شهرهاست، به گونه ای که افراد ساکن در نواحی مرکزی از فقر کمتری نسبت به سایر افراد رنج می برند و همچنین تنوع درآمدی در مناطق روستایی به کاهش فقر خانوارهای ساکن در این مناطق کمک چندانی نمی کند. یکی از مسائل اصلی برای رشد اقتصادی و کاهش فقر در کشورهایی مانند پاکستان، که نرخهای رشد GDP به نسبت بالایی در میان کشورهای جنوب آسیا در میان سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ داشته اند، وجود اعتبارات خرد و مؤسسات اعتباری خرد به عنوان حامی بخش رسمی در رفع نیازهای سرمایه ای به ویژه برای افراد فقیر و کم درآمد و صنایع کوچک بوده است. رشد مؤسسات غیر وابسته به دولت در پرداخت اعتبار در سال هلی اخیر باعث گردیده است بیشترین سهم در پرداخت وام و رفع نیاز سرمایه ای جمعیت کم درآمد پاکستان بر عهده مؤسسات مالی خرد قرار گیرد و در نتیجه یخش غیر رسمی نیز در نرخ بهره خود متعادلتر عمل نماید.

اگوستین (۲۰۰۱)، در مطالعه خود به بررسی مشارکت تعاونی ها در فعالیت های اقتصادی مورد نظر برای کشور اسپانیا پرداخت. وی در تحلیل خود به تولیدات داخلی اسپانیا و نقش تعاونی ها در به دست آوردن نتایج مناسبتر از تولید گروهی و افزایش مزیت های نسبی آن در ایجاد درآمد برای اعضا پرداخت. وی در این مطالعه اشاره می نماید که تفاوت های ویژه ای بین تولید کنندگان بخش خصوصی و تعاونیها در ایجاد یک تعادل درآمدی و افزایش درآمد گروه های مختلف جامعه وجود دارد. همچنین در ایجاد اشتغال بین تعاونیها و بخش های خصوصی که فعالیت های موازی دارند، بخش خصوصی در حدود ۲۵ درصد اشتغال زایی تعاونیها را داشته است. مقایسه تعاونیها با بخش خصوصی نشان داده است که تعاونیها به لحاظ مشوق های موجود در مشارکت تمامی اعضا در تولید و از سویی از نظر میزان درآمد سرانه ایجاد شده برای اعضا، تفاوت معنی داری با بخش خصوصی داشته اند. نتایج این مطالعه همچنین نشان داد که تشکیل تعاونیها و جمع آوری و انباشت سرمایه های اندک گروه های کم درآمد و اعضا توانسته به ایجاد

^۱-Abdelrahmon & Smith

^۲Pampel

^۳-Grootaert

بخش های اقتصادی و تولیدی قدرتمندی در مقابل بخش خصوصی که دارای سرمایه گذارانی با سرمایه های کلان بوده است، بینجامد. این امر نهایتاً افزایش تعادل درآمدی در جامعه را به همراه داشته است.

سیزی^۱ (۲۰۰۱)، طی یک بررسی در تانزانیا به نقش تعاونی های کشاورزی در کاهش فقر پرداخته است. این تعاونی ها مأموریت داشتند تا فقر و بی چیزی کشاورزان مالک مستقر در نواحی روستایی تانزانیا را کاهش دهند. دولت های استعماری تشکیل چنین تعاونی های بازاریابی کشاورزی را بخصوص برای محصولات فروشی از قبیل قهوه، پنبه و تنباکو گسترش دادند. کمپانی ملی گرای فرا استعماری، تعاونی ها را به عنوان ماشینی مهم تلقی می کرد که می توان آنرا به منظور تقسیم سودهای حاصل از فرایند توسعه برای بخش عظیمی از جمعیت تانزانیایی مهیا نمود. تحقق چنین هدفی با تلفیق استعدادهای کاری قشر کشاورز و کارگران میسر می شد تا زمینه های تغذیه، پوشاک و تحصیل آنان و فرزندان شان را فراهم کرده و به طور کلی وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهتری ایجاد گردد. به منظور دستیابی به استقلال مالی، از تعاونی ها انتظار می رفت تا نقش بارزتری را در تجارت به عنوان ابزاری برای کاهش تسلط خارجی ایفا نمایند. نتایج نشان داد که تعاونی ها اثرگذاری عمیقی داشتند چراکه آنها (۱) کشاورزان را قادر ساختند تا قیمت محصولات خود را بالا ببرند (۲) ابزاری را برای تقسیم قدرت و اعطای آن به کشاورزان بیشتری فراهم آوردند که از طریق آن یک قشر ثروتمند از کشاورزان افریقایی بوجود آمدند که در تعاونی ها اختیاراتی به دست آوردند که از قبل آن می توانستند با روسای افریقایی پیشین به تقابل قدرت پردازند. (۳) مسیر حضور را به طور کلی برای تولید کنندگان افریقایی و به طور خاص برای تانزانیایی های بلند پرواز و تحصیل کرده در تولیدات فروشی فراهم کرده و راه را برای حرکت رو به جلو و پیشرفت سیاسی هموار کردند و به طور کاملاً مشخصی تعاونی های آن زمان به طور بنیادینی به کاهش فقر کمک کردند.

فولزام^۲ (۲۰۰۳)، در مورد ایالت مینه سوتا آمریکا می گوید که این ایالت بیشترین تعداد نسبی شرکت های تعاونی در کشور را دارد و در این زمینه پیشتاز است. وی اضافه می کند که این مسأله تأثیر بسزایی بر درآمد سرانه و نرخ اشتغال این ایالت داشته است. شرکت های تعاونی عمده این ایالت عبارتند از آسانسورسازی_تعاونی محصولات کشاورزی و تعاونی صنایع الکترونیک، همچنین شرکت های معروف نظیر سخت افزار ACE، سخت افزار True Value آسوشیتد پرس، REI و صنایع Roundy هم همگی به صورت تعاونی اداره می شوند.

کچینی و اسکوت^۳ (۲۰۰۳)، به بررسی تأثیر اطلاع رسانی و شناساندن فناوری کاربردی نوین در کاهش فقر در مناطق روستایی هند پرداختند و نتیجه گرفتند که فناوری نوین اگر با شرایط محلی و بومی هر ناحیه سازگار باشد و تغییرات لازم برای ایجاد این سازگاری را پیدا نماید می تواند باعث افزایش درآمد در مناطق روستایی گردد. در نتیجه افزایش درآمد روستاییان می توان انتظار داشت که تقاضا برای امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی و ... در روستاها افزایش یابد و کشاورزان هزینه بیشتری برای این امکانات رفاهی صرف نمایند. همچنین افزایش درآمدی می تواند باعث افزایش سرمایه گذاری جدید و پس انداز گردد که این عوامل خود در رشد درآمدی روستاییان تأثیر گذار می باشد. این محققان بیان می نمایند که تعاونیهای کشاورزی و روستایی می تواند یکی از اصلی ترین عوامل ترویج فناوری در مناطق روستایی باشد. یکی از مهم ترین وظایف تعاونیها در این زمینه تأمین سرمایه مورد نیاز کشاورزان می

¹ - Sizya

² - Folsam

³ - Cecchini & Scott

باشد زیرا که اکثر کشاورزان کم درآمد بوده و امکان تهیه فناوریهای جدید را ندارند. همچنین نظارت بر اجرای فناوری و تطابق آن با شرایط خاص منطقه نیز می‌تواند در پذیرش و حصول نتایج مناسب از کاربرد فناوری تأثیر گذار باشد. یکی دیگر از عوامل موفقیت تعاونیها در پذیرش فناوری در مناطق روستایی، یکپارچه سازی اراضی کوچک کشاورزان به منظور ترغیب سرمایه گذاری برای استفاده از فناوری و افزایش درآمدی می‌باشد. به هر حال اگر ورود فناوری با افزایش درآمد کشاورزان همراه نباشد نمی‌توان انتظار افزایش رفاه خانوار روستایی و کاهش فقر آنان را داشت. بنابراین، تعاونیهای کشاورزی میتوانند در حکم یک عامل تأثیر گذار در جمع آوری محصولات تولیدی و با حضوری پر قدرت در بازاریابی و بازاریابی محصولات کشاورزی، سبب افزایش درآمد اعضای خود گردند. در یک نگاه کلی تعاونیها را می‌توان یک پایگاه مهم و اساسی در مناطق روستایی و کشاورزی برای ایجاد نوآوری و کاربرد فناوری نهایتاً افزایش درآمد کشاورزان و خانوار روستایی دانست. تعاونیها از این طریق به صورت مستقیم بر توسعه رفاه در مناطق روستایی و کاهش فقر در این جوامع تأثیر گذار می‌باشند.

اولایی^۱ (۲۰۰۷)، طی یک بررسی در نیجریه نشان داد دولت با استفاده از استراتژی‌هایی به وسیله تعاونیها به کاهش فقر پرداخته است. در این مطالعه دولت استراتژی‌هایی به وسیله تعاونیها برای کاهش فقر پذیرفته است. داده‌های حاصل در این مطالعه از طریق پرسشنامه جمع آوری شده و از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده شده است. جمعیتی شامل ۲۱۲۸ عضو از ۳ تعاونی مورد مطالعه قرار گرفتند که از بین آن‌ها ۱۲۷۶ نفر انتخاب شدند. نتایج نشان داد که از بین دوازده استراتژی پیشنهاد شده فقط سه استراتژی برای کاهش فقر اثر بخش بوده که عبارت است از: ۱- دادن اعتبار به افراد عضو تعاونی ۲- زمان مناسب برای بازپرداخت آن ۳- خرید و توزیع کالاهای مصرفی ضروری بین افراد. و لازم است که این ۳ استراتژی مورد استفاده قرار بگیرند.

ازدمیر (۲۰۰۵) در مطالعه خود به روابط سهام داری در تعاونیهای کشاورزی در کشور ترکیه پرداخت. وی نتیجه گرفت که تعاونیهای عمده در کشور ترکیه، تعاونی اعتباری، تعاونی فروش کشاورزی و توسعه کشاورزی است. نتایج حاصل از مطالعه ایشان نشان داد که توسعه کشاورزی و تعاون بر جسته‌ترین نوع از همکاری در شرایط مشارکت اعضای خود به فعالیت‌های تعاونی پدید آورده است و تمام تعاونیهای فروش فعالانه در تجارت مشغولند.

چاداد و همکاران (۲۰۰۵) در مطالعه موردی تعاونیهای کشاورزی آمریکا وجود محدودیت‌های مالی در این شرکتها را تأیید کرده و خاطر نشان کردند که وجود محدودیت‌های مالی، سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار داده و به تبع آن در موفقیت و شکست تعاونیها اثر گذار بوده است. همچنین نتایج مطالعه مذکور نشان داد که ویژگی‌های مالی نظیر دارایی کل، ریسک اعتبار مالی و نسبت بدهی به سرمایه، حساسیت سرمایه‌گذاری به جریان نقدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یامی (۲۰۰۴) در مطالعه‌ی خود در بررسی تعاونیهای موجود در اتحادیه اروپا و همچنین کشورهای آسیایی به این نتیجه رسید. که در ابتدای سال ۲۰۰۲ در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، ۱۳۲ هزار تعاونی کشاورزی با ۸۴ میلیون عضو و ۲/۳ میلیون نفر شاغل فعال بوده‌اند. در همین سال، در کشور چین به تنهایی ۹۴۷۷ تعاونی با ۱/۱۹۳ میلیون عضو فعال وجود داشته است، این تعاونیها مراحل قبل از کاشت تا بعد از کاشت و بازاریابی را بر عهده دارند.

اکبر پور دباغی (۱۳۸۸) در مطالعه خود به بررسی نقش تعاون در توسعه کارآفرینی در استان آذربایجان شرقی پرداخت. این مطالعه با هدف بررسی نقش اداره کل تعاون استان آذربایجان شرقی در توسعه کارآفرینی در سه بخش کلی انجام پذیرفت. جامعه

^۱ - Olaleye

آماري پژوهش شامل سه گروه: اساتيد دانشگاه و صاحب‌نظران امر کارآفريني، مديران و کارشناسان اداره تعاون استان و مديران مسؤل شرکت های تعاوني فعال در سطح استان آذر بايجان شرقي بود که با استفاده از روش نمونه گيري کوکران نمونه مورد نياز تعيين شد و ديدگاه آنان در پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. نتايج حاصل از مطالعه نشان داد که پنج شاخص (برون سازماني) شامل ۳۳ گروه جامعه آماری، با شدت تأثير زياد به عنوان عامل مؤثر بر توسعه کارآفريني مطرح است. به اعتقاد دو گروه ديگر از جامعه آماری عملکرد تعاون بر حسب اين پنج شاخص در حد متوسط به پايين می باشد. همچنين بر اساس نتايج مطالعه به دست آمده از بين شاخص های پنج گانه، دو عامل سياستگذاري و برنامه ريزی و تسهيلات و کمک های مالی و غير مالی دارای بيشترين تأثير آريزايی شدند.

چوپانی (۱۳۷۷)، در مطالعه خود به تحليل کارکرد بازار يابی تعاوني روستايی و ارتباط آن با توسعه روستايی کازرون پرداخت. اين مطالعه با اين نگرش که شرکت های تعاوني، نهادهایی کارآمد، بسترساز و تسريع کننده روستايی هستند صورت گرفت. اهداف اين تحقيق بررسی نقش بازار يابی اين شرکت ها و ارتباط آن با توسعه روستايی در منطقه کازرون بود. نتايج به دست آمده از تحقيق حاکی از آن است که بين خريد نهاده های کود و بذر از شرکت ها و افزايش درآمد اعضا، هم در فروش به تعاوني و هم در فروش به بازار آزاد رابطه معنا داری وجود ندارد، اما در مورد سم در فروش به هر دو مرکز فوق در سطح ۹۵ درصد اهميت رابطه تايد گرديد. يافته های اين مطالعه نشان داد که شرکت های تعاوني در زمينه بازار يابی موفق عمل نکرده اند که دلایل آن را می توان پرداختن به کارهای جنبی، کم توجهی به مديريت کارا و متخصص، کمبود سرمايه و تاسيسات زير بنايي لازم، دخالت به جای نظارت و حمايت، و کمبود مشارکت اعضا در کلیه مراحل تصميم گيري، نظارت و اجراي برنامه دانست.

نجفی و همکاران (۱۳۶۴) در مطالعه ای شرکت های تعاوني کشاورزي تحت پوشش مرکز گسترش خدمات استان فارس را از نظر نقش اين شرکت ها در اشتغال زايی و افزايش توليد و مسائل شرکت ها، بررسی و پيشنهادهائی در جهت حل مسائل و افزايش کارايی شرکت ها بيان کردند. در نمونه انتخابی ۱۶ شرکت تعاوني کشاورزي شامل سه شرکت تعاوني مرغ تخم گذار، پنج شرکت توليد کننده جوجه گوشي، دو شرکت جوجه کشی، یک شرکت تعاوني گاو داری، سه شرکت توليد محصولات زراعی و دو شرکت تعاوني باغداری مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتايج اين مطالعه نشان داد تعاوني ها دارای وضعيت اقتصادی مطلوب نمی باشند. سه شرکت تعاوني مرغ تخم گذار بدون محاسبه حقوق سود نشان داده ولی با احتساب حقوق هر سه شرکت زیان ده هستند. عواملی نظير بالا بودن درصد تلفات، پايين بودن قيمت فروش تخم مرغ و زياد بودن تعداد پرسنل در اين شرکت ها بعنوان مشکلات موجود عنوان شد.

آزادی و کرمی (۱۳۸۰) در مطالعه خود به مقايسه موفقيت واحدهای مکانيزه تعاوني های روستايی، تعاوني های توليد و شرکت های مکانيزه استان فارس پرداختند. آنها مطالعه خود را با اين نگرش که تعاوني یکی از تشکل هایی است که سبب پيشرفت ها و موفقيت های درخشان، به عنوان نهادی که در پاسخ گویی به دشواری های بنيادين توسعه تلاش دارد انجام دادند. اين مطالعه با هدف تعيين ميزان موفقيت تشکل های مکانيزاسيون استان فارس در دست يابی به اهداف کهن و جديد توسعه، با بهره گيري از روش پژوهش پيمایشی صورت گرفت. نتايج مطالعه نشان داد که واحد های مکانيزه تعاوني توليد در ايجاد درآمد بيشتر برای کشاورز، همکاری افراد روستايی در سطح جامعه، افزايش برابری و رفاه شغلی، در مقايسه با ديگر تشکل ها، موفقيت بيشتری نشان می دهند، در حالی که شرکت های مکانيزه بيشترين انعطاف پذيری و مشارکت را در تصميمات مربوط به انجام فعاليت های کشاورزي و نيز نحوه پرداخت اجرت بين تشکل های گوناگون نيز دارا می باشند.

سعدی و همکاران (۱۳۸۶) در مطالعه‌ی خود به آسیب‌شناسی تعاونی‌های تولید کشاورزی در ایران پرداختند. هدف کلی این مطالعه که به صورت پیمایشی انجام گرفت، آسیب‌شناسی تعاونی‌های تولید کشاورزی در ایران بود. جامعه آماری مطالعه عبارت بود از مجموعه کشاورزانی که در شهرستان کبودرآهنگ عضو تعاونی‌های تولید کشاورزی بودند. نتایج این مطالعه نشان داد که ۹ مورد آسیب‌شناسی جدی تعاونی‌های تولید را تهدید می‌کنند به گونه‌ای که بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند آینده این نظام تولیدی را به خطر اندازد.

رسول زاده (۱۳۸۳) انگیزش شغلی و نقش آن در افزایش کارایی نیروی انسانی را بررسی و عوامل تشویق و قدردانی، مشارکت در تصمیم‌گیری، روابط انسانی مطلوب و امنیت کاری را به عنوان عوامل انگیزشی قلمداد نمود.

لطفیان (۱۳۸۵) در مطالعه خود به بررسی عملکرد شرکت‌های تعاونی کشاورزان استان‌های خراسان پرداخت. نتایج حاصل از مطالعه ایشان نشان داد که عملکرد شرکت‌های تعاونی کشاورزی بالاتر از حد متوسط و کمتر از حد موفق است کمبود سرمایه و اعتبارات لازم و عدم تأمین نیازها و خواسته‌های اعضا، عدم مشارکت اعضا در فعالیت‌ها و تعاملات با شرکت‌های تعاونی روستایی، مهم‌ترین عوامل موثر در عدم موفقیت شرکت‌های تعاونی کشاورزی عنوان شد.

با توجه به مطالبی که عنوان شد در این مطالعه سعی شده است اهداف ذیل مورد توجه قرار گیرد:

- ۱- بررسی عملکرد صندوق‌های اعتباری شرکت‌های تعاونی روستایی و نحوه تأمین مالی آن‌ها.
- ۲- بررسی اثر صندوق‌های اعتباری بر تأمین نقدینگی کشاورزان میزان موفقیت شرکت‌های دارای صندوق اعتباری.
- ۳- تحلیل عوامل موثر بر موفقیت تشکیل صندوق‌های اعتباری در شرکت‌های تعاونی روستایی
- ۴- مقایسه آن دسته از شرکت‌هایی که تشکیل صندوق اعتباری داده‌اند با شرکت‌هایی که فاقد صندوق اعتباری هستند.

۲- تئوری و روش تحقیق

به منظور بررسی عوامل موثر بر نقدینگی تعاونی‌های کشاورزی و میزان فعالیت صندوق‌های اعتباری، باید الگویی را طراحی نمود. در این الگو متغیر وابسته یک متغیر موهومی بوده که متغیر صفر یا یک را به خود می‌گیرد. به منظور بررسی الگوهایی با متغیر توضیحی صفر و یک از مدلهایی با تابع توزیعی تجمعی، شامل مدل احتمال خطی (لاجیت) (Logit) و پروبیت (probit) استفاده می‌شود (گجراتی، ۱۳۷۸)، اما وجود برخی از مشکلات در الگوهای خطی، استفاده از این روش را محدود نموده است (Maddala, 1991). و موجب شد که مدلهایی موسوم به لاچیت و پروبیت، بطور گسترده‌ای در الگوهای مختلف مورد استفاده قرار گیرند. ساختار مدل لاچیت را می‌توان بصورت رابطه (۱) نمایش داد (بخشوده و رفیعی درانی، ۱۳۸۴).

$$Z_i = \alpha + \sum_{j=1}^n \beta_j X_{ji} + \mu_i \quad (1)$$

که در آن Z_i تأثیر صندوق‌های تعاونی‌های کشاورزی بر موفقیت آن‌ها در تأمین نقدینگی کشاورزی می‌باشد. براساس رابطه فوق مجموعه‌ای از عوامل مختلف شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی که بر نقدینگی و فعالیت تعاونی‌های کشاورزی تأثیر دارد مورد بررسی قرار گرفت. از این رو دو متغیر (Z_i) تعریف می‌گردد که از مقادیر صفر و یک تشکیل شده است. در این صورت

مقدار صفر از متغیر مذکور ($Z_i=0$) برای شرکت‌هایی است که دارای صندوق اعتباری هستند و ($Z_i=1$) برای آنهایی است که واحد اعتباری ندارند. در رابطه (۱)، X_{ij} شامل مجموعه‌ای از عوامل موثر بر فعالیت واحدهای اعتباری تعاونی i ام می‌باشد. در الگوی لاجیت میزان فعالیت شرکت‌های تعاونی قبل از ایجاد صندوق اعتبارات به صورت رابطه (۲) و فعالیت این شرکت‌ها پس از بهره‌مندی از صندوق‌های اعتباری به صورت رابطه (۳) می‌باشد.

$$P_i = F(Z_i) = F\left[\alpha + \sum_{j=1}^n \beta_j X_{ji}\right] = \frac{1}{1 + e^{-z_i}} \quad (2)$$

$$1 - p_i = \frac{1}{1 + e^{z_i}} \quad (3)$$

نسبت احتمال موفقیت شرکت‌های تعاونی قبل و بعد از استفاده از صندوق‌های اعتباری در تعاونی کشاورزی را می‌توان به صورت رابطه (۴) که در واقع تقسیم رابطه (۲) بر (۳) بدست آمده محاسبه نمود.

$$\frac{p_i}{1 - p_i} = \frac{1 + e^{z_i}}{1 + e^{-z_i}} = e^{z_i} \quad (4)$$

می‌توان با لگاریتم‌گیری از رابطه (۴) به صورت ساده‌تری به نسبت احتمال موفقیت در تعاونی‌های کشاورزی قبل و بعد از ایجاد صندوق‌های اعتباری دست یافت.

$$L_i = \ln\left(\frac{p_i}{1 - p_i}\right) = Z_i = \beta_1 + \beta_2 X_i \quad (5)$$

در رابطه (۵) L_i به لاجیت معروف است که لگاریتم نسبت موفقیت تعاونی قبل و بعد از استفاده از صندوق‌های اعتباری به منظور اعطای تسهیلات در تعاونی کشاورزی را نشان می‌دهد (گجراتی، ۱۳۷۸). در مدل‌هایی با متغیر موهومی از جمله مدل‌های لاجیت، از معیار سودمندی بر ارزش بجای R^2 استفاده می‌گردند، که تعداد بیشتر آن نشان‌دهنده برتری مدل خوبی‌تر است. متغیرهای توضیحی (X) مورد استفاده در مدل فوق شامل توان مدیریتی، سطح سواد اعضای تعاونی، سطح سواد مدیران عامل، سن مدیران عامل، مبلغ تسهیلات دریافتی از سوی کشاورزان، متغیر آگاهی از خدمات بانکی، متغیر عضویت در سایر موسسات اعتباری (بلی=۰ و خیر=۱)، منابع مورد استفاده تعاونی‌های کشاورزی جهت تأمین نقدینگی (منابع خارجی=۰ و منابع داخلی=۱) متغیر نرخ سود تسهیلات (درصد) می‌باشند. در مدل فوق، γ متغیر وابسته بوده و α و β پارامترهای مدل می‌باشند که باید برآورد شوند.

روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق از نوع میدانی و ماهیت تحقیق پیمایشی است. داده‌های مورد نیاز با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی دو مرحله‌ای و فرمول نمونه‌گیری کوکران تهیه شده است (کوکران، ۱۹۷۲). ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه می‌باشد. افراد انتخاب شده جهت تجزیه و تحلیل، از جامعه آماری شرکت‌های تعاونی کشاورزی شهرستان‌های مرودشت و شیراز در سال زراعی ۹۰-۱۳۸۹ انتخاب شده‌اند. به دلیل بالا بودن تعداد افراد انتخاب شده و برای سهولت کار با استفاده از فرمول آماری کوکران یک حجم نمونه مناسب انتخاب گردید. فرمول عمومی کوکران بصورت رابطه (۶) می‌باشد.

$$n = \frac{Nt^2S^2}{Nd^2 + t^2S^2} \quad (6)$$

n نشان دهنده حجم نمونه انتخاب شده از جامعه آماری، N حجم جامعه آماری مورد تحقیق، S انحراف معیار ویژگی و معیار مورد مطالعه، t ضریب اطمینان و d دقت احتمالی منصفانه می باشد. اگر معیار ما احتمال انتخاب شدن یک عنصر در نمونه باشد فرمول کوکران به صورت رابطه (۷) تغییر می یابد که همان رابطه (۶) می باشد، با این تفاوت که بجای واریانس و انحراف معیار افراد در رابطه از معیار احتمال و شانس انتخاب شدن هر فرد در نمونه استفاده می شود.

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 . p.q} \quad (7)$$

p شانس انتخاب فرد در نمونه، q شانس عدم انتخاب فرد در نمونه، N حجم آماری مورد تحقیق، t ضریب اطمینان و d دقت احتمالی منصفانه می باشد. برای دقت بیشتر فرمول فوق بصورت زیر تصحیح می شود.

$$n' = \frac{n}{1 + \frac{n}{N}} \quad (8)$$

با استفاده از رابطه بدست آمده حجم نمونه بهینه با دقت نسبتاً بالا بدست می آید. در این تحقیق حجم نمونه آماری نهایی ۱۵۰ نفر می باشد. لازم به ذکر است که کلیه مراحل تجزیه و تحلیل آماری و ریاضی بوسیله نرم افزارهای Excel و Microfit انجام پذیرفته است.

۳- نتایج و بحث

در این مطالعه عواملی همچون توان مدیریتی، سطح سواد اعضای تعاونی، سطح سواد مدیران عامل، سن مدیران عامل، مبلغ تسهیلات دریافتی از سوی کشاورزان، متغیر آگاهی از خدمات بانکی، متغیر عضویت در سایر موسسات اعتباری (بلی=۰ و خیر=۱)، منابع مورد استفاده تعاونی های کشاورزی جهت تأمین نقدینگی (منابع خارجی=۰ و منابع داخلی=۱) متغیر نرخ سود تسهیلات (درصد) بعنوان عوامل موثر در نظر گرفته شد. در جدول (۱) اطلاعات اولیه نمونه مورد بررسی آورده شده است.

جدول ۱- متغیرهای مورد استفاده در مدل

مقدار	متغیر
۲۱	تعداد تعاونی های مورد بررسی
۴۲	متوسط سن اعضای تعاونی (سال)
۳۱	متوسط سن مدیران (سال)
۱۷	مدیران با سطح سواد بالاتر از لیسانس (درصد)
۶۵۴	متوسط مبلغ تسهیلات دریافتی کشاورزان (میلیون ریال)
۱۴	نرخ سود اعتبارات (درصد)

ماخذ: نتایج پژوهش

بر اساس اطلاعات موجود در جدول (۱)، از مجموع ۲۱ تعاونی مورد مطالعه، تنها ۲ تعاونی دارای صندوق اعتباری و مابقی فاقد چنین صندوقی بودند. نتایج نشان داد که حدود ۵۶ درصد نمونه انتخابی، وام های کشاورزی خود را از صندوق های اعتباری موجود در تعاونی ها استفاده نموده اند. متوسط سن اعضای منتخب تعاونی ۴۲ سال است. از مجموع نمونه انتخابی اعضا ۶۵ درصد با سواد و بقیه بی

سواد می‌باشند. متوسط سن مدیران نیز ۳۱ سال بدست آمد و حاکی از وجود یک سیستم مدیریتی جوان در تعاونی‌های کشاورزی است. لازم به ذکر است که ۹۳ درصد از اعضای تعاونی دارای زمین ملکی می‌باشند.

۳-۱- تحلیل انفرادی متغیرهای مدل

در روش تحلیل یک متغیره هر متغیر بطور جداگانه و بدون بررسی رابطه آن با سایر متغیرها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. تحصیلات از راههای گوناگون بر قدرت تصمیم‌گیری و مشارکت افراد تأثیر می‌گذارد. لذا افراد تحصیل کرده در انتخاب خود چوانب موضوع را به خوبی بررسی کرده و از بین گزینه‌های موجود بهترین انتخاب را انجام می‌دهد. بنابراین انتظار می‌رود تحصیلات بر نحوه تصمیم‌گیری و مشارکت افراد در تعاونی‌ها موثر باشد.

جدول ۲- توزیع فراوانی میزان تحصیلات کل نمونه

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد
بی سواد	۳۵	۲۳/۳۳
ابتدایی و راهنمایی	۴۲	۲۸
دبیرستان و دیپلم	۳۷	۲۴/۶۷
لیسانس و پایین‌تر	۳۰	۲۰
فوق لیسانس و بالاتر	۶	۴
جمع کل	۱۵۰	۱۰۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

همانطور که ملاحظه می‌گردد در جدول فوق ۲۳/۳۳ درصد از نمونه مورد بررسی بی سواد هستند. ۲۸ درصد از نمونه انتخابی دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی هستند که بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند، همچنین ۲۴/۶۷ درصد از نمونه مورد بررسی دارای تحصیلات دبیرستان و دیپلم هستند و ۲۴ درصد از آن‌ها دارای تحصیلات دانشگاهی‌اند. سن هر فرد تجربه و قوای جسمانی آن فرد را نشان می‌دهد. افراد با سن بالاتر از تجربه کافی برای تولید و توسعه در بخش کشاورزی برخوردارند. از سوی دیگر افراد با افزایش سن با کاهش توانایی‌های جسمانی همراه هستند. بنابراین بر تولید و فعالیت افراد تأثیر می‌گذارد.

جدول ۳- توزیع فراوانی سن کل نمونه

سن	فراوانی	درصد
----	---------	------

۲۹/۳۳	۴۴	۲۰-۳۰
۳۱/۳۳	۴۷	۳۱-۴۰
۲۲/۶۷	۳۴	۴۱-۵۰
۱۳/۳۳	۲۰	۵۱-۶۰
۲/۶۶	۴	۶۱-۷۰
۰/۶۶	۱	۷۱-۸۰
۱۰۰	۱۵۰	جمع

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول فوق بیان می کند ۲۹/۳۳ درصد از نمونه انتخابی سن ۲۰-۳۰ را دارا هستند. همچنین ۲۲/۶۷ درصد در فاصله سنی ۴۱-۵۰ سال قرار دارند و ۳۱/۳۳ درصد از نمونه دارای سن ۳۱-۴۰ هستند که بیشترین افراد نمونه را در بر می گیرند. حدود ۱۳/۳۳ درصد از نمونه انتخابی سن ۵۱-۶۰ سال را دارند و ۳/۳۲ درصد از نمونه انتخابی سن آنها بیشتر از ۶۰ سال است که کمترین افراد از بین اعضای تعاونی ها را در بر می گیرند که نشان از گسترش جوان گرایی در سیستم مدیریت کشاورزی است.

۲-۳- نتایج حاصل از مدل لاجیت

در این فصل نتایج حاصل از برآورد دو مدل لاجیت شامل مدل تعاونی دارای صندوق اعتباری و مدل تعاونی بدون صندوق مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور ابتدا نتایج حاصل از مدل لاجیت تعاونی های دارای صندوق مورد بررسی قرار می گیرد، سپس نتایج حاصل از مدل تعاونی فاقد صندوق ارائه شده است. لازم به ذکر است که در این تجزیه و تحلیل ها میزان تأثیر هر یک از متغیرها و شاخص های ساخته شده مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول (۳) نتایج حاصل از برآورد اثر متغیرهای مؤثر بر تأمین نقدینگی توسط تعاونی های کشاورزی دارای صندوق اعتباری در استان فارس

متغیر	ضریب	خطای معیار	آماره t	اثر نهایی
C عرض از مبدا	*-۷/۸۷	۲/۰۹	-۱/۹۷	—
X_1 سن	*۰/۶۹۱	۰/۰۳۱	-۱/۶۳	۱/۰۱
X_2 تحصیلات	*۰/۸۹	۰/۱۶	۳/۴۷	۱/۰۰۷
X_3 عضویت در سایر موسسات	*۰/۳۷	۱/۰۰۴	۳/۵۹	۱/۰۰
X_4 تسهیلات دریافتی	**۰/۱۸	۰/۲۴	۲/۴۲	۱/۰۰۵
X_5 آگاهی از خدمات بانکی (موهومی)	*-۱/۴	۰/۲۸	۱/۶۹	۱/۰۰۵۶
X_6 منابع تأمین نقدینگی	*۱/۸۷	۱/۰۷	-۲/۲۹	۰/۱۸۱
ضریب اثر نهایی	٪۶۷			سودمندی برآزش ٪۷۳

مأخذ: یافته های تحقیق. *،** به ترتیب معنی داری در سطح ۱ و ۵ درصد

متغیر عضویت علامت مورد انتظار (مثبت) دارد. به عبارت دیگر با عضویت اعضا در تعاونی باعث افزایش احتمال ایجاد صندوق در تعاونی ها می شود. متغیر تسهیلات دریافتی نیز علامتی مثبت در مدل دارد که نشان دهنده این موضوع است که وام های اعطایی در تعاونی موجب افزایش احتمال ایجاد اشتغال در بین اعضا تعاونی و ترغیب تعاونی های فاقد صندوق می شود. متغیر آگاهی از خدمات بانکی در این مدل با ضریب منفی ظاهر شده است و نشان می دهد که آموزش های ترویجی در این تعاونی ها نتوانسته است بخوبی انجام بگیرد به عبارت دیگر یا آموزش مطلوب وجود نداشته یا از نیروهای کارآمد مورد استفاده قرار نگرفته است. با توجه به اینکه ضریب اثر نهایی مدل برابر ٪۶۷ است، با ضرب کردن این عدد در ضرایب بدست آمده می توان اثر نهایی متغیرهای مدل و به عبارت دیگر احتمال کشش پذیری آن را تعیین کرد. بعنوان مثال انتظار می رود با ارتقاء سطح سواد مدیران و خصوصاً اعضا تعاونی به ازای یک نفر به میزان ۰/۰۰۷ درصد احتمال افزایش نقدینگی در تعاونی های مورد بررسی افزایش می یابد.

جدول (۴) نتایج حاصل از برآورد اثر متغیرهای مؤثر بر تأمین نقدینگی توسط تعاونی های کشاورزی فاقد صندوق اعتباری در استان فارس

متغیر	ضریب	خطای معیار	آماره t	اثر نهایی
C عرض از مبدا	*-۷/۲۷	۱/۰۸	-۳/۲۹	—
X ₁ سن	۰/۱۶	۰/۳۵	-۱/۶۳	۱/۰۷
X ₂ تحصیلات	*۰/۹۷	۰/۹۱	۲/۸۱	۱/۰۰۷
X ₃ عضویت در سایر موسسات	-۰/۳۷	۱/۳۳	۱/۵۹	۱/۱۹
X ₄ تسهیلات دریافتی	*-۰/۱۸	۰/۰۷	۲/۴۲	۱/۰۰۱
X ₅ آگاهی از خدمات بانکی (موهومی)	*-۲/۴	۰/۲۸	۱/۶۹	۱/۰۴۸
X ₆ منابع تأمین نقدینگی	**۲/۰۱	۰/۴۹	-۲/۲۹	۰/۰۱۷
ضریب اثر نهایی	٪۸۱			سودمندی برآزش ٪۷۳

مأخذ: یافته های تحقیق. *، ** به ترتیب معنی داری در سطح ۱ و ۵ درصد

متغیر تسهیلات دریافتی در تعاونی های فاقد صندوق از لحاظ آماری معنی دار نشده است و تأثیر منفی بر میزان نقدینگی دارد، بدین منظور که به ازای افزایش متقاضیان تسهیلات در تعاونی های فاقد صندوق، از منابع مالی و نقدینگی تعاونی کم شده و فشار مضاعفی به تعاونی در پیشبرد اهداف معین خود ایجاد می نماید. متغیر منابع تأمین نقدینگی با ضریب (۲/۰۱-) در این مدل ظاهر شده است. بدین منظور که منابع تأمین کننده تسهیلات متقاضیان بیشتر از منابع خارجی شامل بانک ها و سایر موسسات اعتباری دیگر (با ضریب ۰/۳۷-) می باشد و تعاونی به دلیل نداشتن صندوق دچار کسری بودجه و به دنبال آن رو به ورشکستگی می رود و باعث می گردد که اعضای این تعاونی به منظور تأمین نقدینگی خود بیشتر در زمینه هایی غیر از کشاورزی مشغول به کار شوند که پیامد آن گسترش شغل های کاذب و رکود شاخص توسعه بخش کشاورزی در منطقه مورد مطالعه می گردد. متغیر تحصیلات با ضریب مثبت در این مدل ظاهر شده است، نشان دهنده این موضوع است که با ارتقاء سطح تحصیلات اعضای تعاونی، احتمال ایجاد صندوق اعتباری در تعاونی افزایش می یابد.

با مقایسه نتایج حاصل از دو مدل تعاونی مورد بررسی به راحتی می توان به تأثیر ایجاد صندوق های اعتباری در تعاونی های کشاورزی در راستای استقلال مالی و تأمین نقدینگی در آنها پی برد. بدین منظور جهت پیشبرد هدف اصلی این مطالعه پیشنهاداتی ارائه شده است.

پیشنهادات

۱. با توجه به اثر مثبت تعاونی‌های کشاورزی بر نقدینگی، گسترش و ایجاد صندوق‌های اعتباری در سطح تعاونی‌های کشاورزی استان توصیه می‌شود.
۲. با توجه به اثر مثبت تسهیلات دریافتی در تعاونی‌های کشاورزی با صندوق بر تأمین نقدینگی و تولید گسترش اعطای اعتبارات به اعضاء پیشنهاد می‌گردد.
۳. آموزش‌های ترویجی (آگاهی از خدمات بانکی): استفاده از نیروهای متخصص و با تجربه جهت آموزش به اعضاء و همچنین استفاده از کشاورزان با تجربه در زمینه استفاده از تسهیلات به عنوان گروه‌های مرجع جهت آموزش به کشاورزان و ایجاد این باور در آن‌ها که برای تأمین نقدینگی فعالیت‌های خود نیازی به مراجعه موسسات مالی و بانک‌های عامل نخواهند داشت و تنها با مراجعه به تعاونی محل زندگی خود به راحتی می‌توانند نیازهای پولی خود را مرتفع سازند.
۴. استفاده از نرخ‌های سود منطقی در اعطای تسهیلات به اعضاء تعاونی و تشویق کشاورزان به گرفتن تسهیلات ارزان از صندوق تعاونی به منظور کاهش مراجعات آنها به موسسات مالی و بانک‌ها.
۵. ایجاد یک زمینه رقابتی بین تعاونی‌های کشاورزی در تأسیس صندوق‌های اعتباری با استفاده از راهکار تشویق و اعطای امتیاز ویژه به تعاونی‌های دارای صندوق اعتباری.

منابع

۱. رستمیان، محمد حسین (۱۳۸۳)، بررسی تنگناها و راهکارهای ایجاد فرصت‌های شغلی در تعاونی‌های تحت پوشش وزارت تعاون، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۲. زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۸۳)، ضرورت‌های کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی، فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال دوم، شماره ششم.
۳. سعدی، حشمت‌الله و همکاران (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی تعاونی‌های تولید کشاورزی در ایران، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد.
۴. شیرانی، علیرضا (۱۳۶۸)، اقتصاد تعاون، انتشارات سازمان مرکزی تعاون با همکاری دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۱۰۶.
۵. گجراتی، د. (۱۳۷۸)، مبانی اقتصاد سنجی، ترجمه: دکتر حمید ابریشمی، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. لطیفیان، احمد (۱۳۸۴)، بررسی وضعیت شرکت‌های تعاونی کشاورزی در استان خراسان بزرگ، پژوهشنامه علمی علوم انسانی و اجتماعی، سال پنجم، شماره ۷ هفدهم.
۷. نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی (۱۳۸۰)، آموزش، اشتغال و بیکاری، دی ۱۳۸۰.
۸. سعدی، ح. و همکاران، ۱۳۸۶، آسیب‌شناسی تعاونی‌های تولید کشاورزی در ایران، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد.

۹. طیبی، ز. و ترکمانی، ج.، ۱۳۸۶، عوامل تعیین کننده اقتصادی در تقاضای نیروی کار واشتغال در بخش کشاورزی، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران - مشهد.

10. Carlo Russoa, D. Weatherspoonb, C. Petersonb, M. Sabbatinia(2000) Effects of managers power on capital structure: a study of Italian agricultural cooperatives, *International Food and agribusiness Management Review*, 3: 27-39.
11. Cochran, W.G. (1976), *Sampling techniques*, N Y, John Willey& Sons.
12. Chaddad,F. R.Cook, M.L.and Heckelei,T.(2005) Testing for the presence of financial constraints in US agricultural cooperatives:An investment behavior approach, *journal if Agricultural Economics*, 56:385_397.
13. Donna,R.& B.Chinhui(2001) The effects of women employment on rural areas, *Indian Journal of Agricultural Economics*, 56(1):38-46.
14. Karami,E,GH. Zamani, M.B.Lori. and H.S.Havkins(1993) *Agricultural Development: The impact of communication*. Iran Agricultural Research.12:29-50.
15. Maddala, G.S.(1991) *Limited dependent and qualitive variable in economic*, Cambridge University Press. Cambridge. New York.
16. Montgomery, D. C, C. A. Peck (1991) *Introductionto linearregression analysis*, A Willey-IntersciencePublication, SecondEdition.
17. Zimmerman, H.J. (1996) *Fuzzy sets theory and itsapplications*, Kluwer, Dordrecht.
18. 48. Montgomery, D. C, C. A. Peck.,1991, *Introductionto linearregression analysis*, A Willey-IntersciencePublication, SecondEdition.
19. 49. Mundy,P.,2005, *Research Extension Linkages: Approaches and Concepts*. [On Line]www.mund.com.
20. 50 . Luczynski, W, M. Matolka., 1995, *Fuzzy regression models and their applications*, *Fuzzy Math*, 3:583_589.
21. 51. John, L. J. Adrian, T. Wade Green ., 2001, *Agricultural cooperative managers and the business environment*. *J. Agribusiness*. 19(1):17-33.
22. 52. Terano, T. & et al.,1992, *Fuzzy systems theory and its application*, Academic Press INC.p8.
23. 53. Zimmerman, H.J.,1996, *Fuzzy sets theory and itsapplications*, Kluwer, Dordrecht.
24. 54. Yen, K. K. & et al.,1991, *A linear regression model triangular usingfuzzy number coefficient*, *Fuzzy Sets and Systems*,3:167-177.
25. 55. Karami,E,GH. Zamani, M.B.Lori. and H.S.Havkins.,1993, *Agricultural Development: The impact of communication*. Iran Agricultural Research.12:29-50.
26. 56. Lovel,C.A.K., 1194, *Lienar Programing Approaches to The Measurrement and Analysis of Productive Efficiency*. 2:175-248.
27. 57. Malak, w.H.,2006, *An Analysis of The Agricultural Knoeledge System in Pakistan*. Cornell University. 2:97_100.
28. 58. Gordan, J.,1997, *The Effect of Increasing government Employment on growth: Some Evidence from Africa*"IMF Working Paper, 33



59. Gulen, o., 2005, Cooperative_Sharelder Relations in Agricultural Cooperatives in Turkey, ۲۹
Journal of Asian Economic, Volume 16, Issuez, April2005, Pages315_325.